



فصلنامه راهبرد مدیریت مالی

دانشگاه الزهرا

سال دهم، شماره سی و نهم، زمستان ۱۴۰۱

صفحات ۱۹۶-۱۷۷



مقاله پژوهشی

بررسی تأثیر نرخ مؤثر مالیاتی و کیفیت حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران^۱

علی نمازیان^۲، امید پورحیدری^۳، حدیث زینلی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۴

چکیده

در این پژوهش، به بررسی تأثیر نرخ مؤثر مالیاتی و کیفیت حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی پرداخته شده است. معیار اندازه گیری اجتناب مالیاتی، تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات محاسبه شده است. همچنین، به منظور همگن سازی، این متغیر بر ارزش دفتری کل دارایی ها تقسیم می شود. برای آزمون فرضیه ها، از مدل رگرسیونی چندمتغیره استفاده شده است. داده ها با مراجعه به صورت های مالی اساسی، یادداشت های توضیحی همراه آن، نرم افزار ره آورد نوین و بانک اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران (کدال) مورد بررسی قرار گرفته و نمونه ای شامل ۱۶۰۰ مشاهده سال - شرکت برای سال های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۷ انتخاب و با استفاده از نرم افزار Excel و Eviews تجزیه و تحلیل شده اند. یافته های پژوهش نشان می دهد که رابطه مثبت و معنی داری میان نرخ مؤثر مالیاتی و اجتناب مالیاتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار وجود دارد، به طوری که با افزایش نرخ مؤثر مالیاتی بر اجتناب مالیاتی آن ها افزوده می شود، لیکن با اضافه شدن متغیر کیفیت حاکمیت شرکتی به رابطه فوق، اثر معنی داری بر رابطه میان نرخ مؤثر مالیاتی و اجتناب مالیاتی وجود ندارد. با توجه به تأثیر نرخ مؤثر مالیاتی بر اجتناب مالیاتی انتظار می رود با افزایش نرخ مؤثر مالیاتی، شرکت ها نسبت به اجتناب مالیاتی اقدام نمایند، ولی به دلیل عدم تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر آن رابطه، در عمل نشان داده می شود اجتناب مالیاتی کاهش نمی یابد. همچنین، اندازه شرکت، دارایی های ثابت مشهود و نرخ بازده دارایی ها نیز سبب کاهش، و عمر شرکت سبب افزایش اجتناب مالیاتی می گردد.

واژگان کلیدی: مالیات، کیفیت حاکمیت شرکتی، اجتناب مالیاتی، نرخ مؤثر مالیاتی.

طبقه بندی موضوعی: G18, G34, H26, K34.

۱. کد DOI مقاله: 10.22051/JFM.2022.34226.2471

۲. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. Email: namazianali2010@gmail.com

۳. استاد، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. نویسنده مسئول. Email: opourheidari@uk.ac.ir

۴. استادیار، گروه حسابداری، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. Email: hadisazeinali@gmail.com

مقدمه

علی‌رغم موهبت‌های درآمدهای نفتی، نوسان‌های قیمت نفت در بازارهای جهانی و وجود تحریم‌های گسترده، به‌خصوص در چند سال اخیر، آسیب‌های بسیاری متوجه درآمدهای دریافتی کشور گردیده، و حتی امنیت ملی کشور را تحت تأثیر قرارداده‌است. یکی از راه‌های جایگزین کسب درآمد و دورشدن از بودجه‌ی نفتی در صورت اجرای صحیح آن و کسب اعتماد عمومی در جامعه، مالیات است. مالیات در واقع سهم دولت از سود کسب‌شده‌است، که بخش بزرگی از این کسب درآمد از طریق اخذ مالیات از شرکت‌ها و آن هم براساس نرخ‌های قانونی مالیاتی تعریف‌شده از سوی دولت‌هاست. اما در عمل، به‌دلیل وجود خلاءهای قانونی در خصوص مالیات، اجتناب مالیاتی صورت‌گرفته توسط مؤدیان مالیاتی باعث تفاوت بین نرخ‌های قانونی مالیات و نرخ‌های مؤثر مالیاتی و به‌سبب آن مالیات واقعی دریافت شده‌است. حساس یگانه و گل محمدی شورکی (۱۳۹۰) نرخ مؤثر مالیاتی را هزینه مالیات بر درآمد برای اهداف گزارشگری مالی تقسیم بر سود حسابداری پیش از مالیات تعریف می‌کنند.

قرنچیک و گرکز (۱۳۹۷) معتقدند به‌دنبال تخصیص شدن فعالیت شرکت‌ها و به تبع آن تفکیک مدیریت از مالکیت، مدیران به عنوان نماینده سهامداران به اداره شرکت‌ها پرداخته‌اند که خود می‌تواند به‌دلیل ایجاد تضاد منافع بین اهداف شرکت‌ها و دولت به عنوان کسب‌کننده مالیات، باعث گردد تا مدیران در راستای منافع خود و سهامداران اقداماتی از قبیل اجتناب مالیاتی که با منافع دولت‌ها در تضاد است و می‌تواند سبب افزایش سود شرکت‌ها و به تبع آن افزایش ارزش سهام آن‌ها گردد، انجام دهند. یکی از راهکارهایی که می‌تواند از اقدامات مدیران در این خصوص جلوگیری نماید، داشتن کیفیت حاکمیت شرکتی قوی در شرکت‌هاست. مهرانی و صفرزاده (۱۳۹۰) کیفیت حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها را محدود کردن رفتار فرصت‌طلبانه مدیران و در نتیجه، کیفیت و توان اتکای گزارشگری مالی با توجه به عوامل مؤثر بر حاکمیت شرکتی دانسته‌اند.

بنابراین مدیران می‌توانند با دستکاری در صورت‌های مالی شرکت‌های خود از طریق خلاءهای قانونی و به تبع آن استفاده از نرخ‌های مؤثر مالیاتی، و تضعیف کیفیت حاکمیت شرکتی، اقدام به اجتناب مالیاتی به نفع خود نمایند و سبب کاهش مالیات اخذشده توسط دولت و همچنین، عدم شفافیت در گزارشگری مالی شرکت‌ها شده، که در صورت کشف، می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر ارزش شرکت‌ها و قیمت سهام آنان داشته‌باشد.

پورحیدری و همکاران (۱۳۹۳) در ارتباط با اجتناب از پرداخت مالیات دو دیدگاه را مطرح می‌کنند، نخستین دیدگاه این است که مدیران با هدف کاهش تعهدات مالی شرکت و صرفه‌جویی وجه نقد، از پرداخت مالیات اجتناب می‌ورزند. بنابراین، سرمایه‌گذاران عقیده‌دارند با نپرداختن مالیات، ارزش شرکت بیشتر می‌شود و این امر می‌تواند دلیلی برای تشویق و پاداش مدیران باشد. دیدگاه دوم به مسأله نمایندگی می‌پردازد که در آن، اجتناب از پرداخت مالیات به عنوان ابزار ایجاد مصنوعیت برای سودجویی و تغییر منافع توسط مدیران است. در واقع با پنهان کردن حقایق مالیاتی، که یکی از راهکارهای اجتناب از پرداخت مالیات است، می‌توان میزان مالیات پرداختی را کاهش داد.

برای اجتناب مالیاتی تعاریف گوناگونی تا به حال ارائه شده که به عنوان مثال ریچاردسون و همکاران^۱ (۲۰۱۵) اجتناب مالیاتی مستلزم سازمان‌دهی امور یا معاملات جهت بهره‌گیری از مزایای کمبودهای موجود در قوانین مالیاتی و قوانین مرتبط با یک کشور یا تفاوت‌های موجود در قوانین مالیاتی بین کشورها به منظور کاهش قابل‌ملاحظه مبلغ مالیات است و یا میلز و همکاران^۲ (۱۹۹۸) اجتناب مالیاتی را تلاش برای کاستن از میزان پرداخت مالیات بیان کرده‌اند. به بیان دیگر اجتناب از مالیات نوعی سودبردن از قوانین مالیاتی ناشی از خلاءهای قانونی، جهت کاستن از مالیات است.

گون و پورجلالی^۳ (۲۰۱۰) بیان می‌کنند که از آنجایی که سود بیشتر شرکت منجر به پرداخت مالیات بیشتر می‌شود، خصوصاً در مواقعی که شرکت دارای بدهی مالیاتی قابل‌توجهی می‌باشد، مدیر انگیزه دارد دست به اجتناب مالیاتی بزند. هرچه این نرخ بالاتر باشد، تمایل به استفاده از روش‌های کاهشنده سود توسط مدیران شرکت‌ها بیشتر می‌شود، از طرفی آنار و همکاران^۴ (۲۰۱۴) بیان کردند از عوامل تعیین‌کننده بالقوه اجتناب مالیاتی، مالکیت خانوادگی، دولتی و خارجی می‌باشد و سازوکارهای حاکمیت شرکتی قوی می‌تواند چنین رابطه‌ای را کاهش دهد. به عبارت دیگر، انگیزه استفاده از ترفندهای اجتناب مالیاتی با استفاده از مالیات را می‌توان به نرخ‌های مؤثر مالیاتی و کیفیت حاکمیت شرکتی نسبت داد. هرچه نرخ مؤثر مالیاتی بالاتر باشد، هزینه‌های مالیاتی شرکت‌ها بیشتر و در نتیجه مالیات‌های پرداختی آنان افزایش خواهد یافت و مدیران تمایل خواهند داشت با راهکارهایی نسبت به پرداخت نکردن مالیات اقدام نمایند، در نتیجه اجتناب مالیاتی افزایش خواهد یافت، از طرفی با افزایش کیفیت حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها به دلیل تضعیف اجتناب مالیاتی در آن‌ها مدیران کمتر قادر خواهند بود تا نسبت به مدیریت مالیات مبادرت ورزند.

به دلیل این که تأثیر همزمان نرخ مؤثر مالیاتی و کیفیت حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی در سال‌های اخیر چندان در پژوهش‌های داخلی مورد توجه قرار نگرفته است، این مقاله بر این موضوع تمرکز کرده و می‌کوشد تا با ارائه شواهد تجربی، اطلاعات مفیدی در این خصوص ارائه کند. علاوه بر روز رسانی اطلاعات موجود در ادبیات موضوع، دانش‌افزایی پژوهش حاضر در سه بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد. اول این که در این مقاله تلاش شده است تا تأثیر همزمان نرخ مؤثر مالیاتی و کیفیت حاکمیت شرکتی در طول یک دوره شانزده‌ساله بر روی اجتناب مالیاتی مورد بررسی قرار گیرد، دوم، تلاش برای افزایش سطح تحلیل‌ها است و سوم، یافته‌های این پژوهش در غنی‌سازی ادبیات موضوع پژوهش و قابلیت مقایسه آن است.

از این‌رو پژوهش حاضر، در بخش اول به مبانی نظری اجتناب مالیاتی و ارتباط آن با نرخ مؤثر مالیاتی و کیفیت حاکمیت شرکتی؛ در بخش دوم، به پیشینه تجربی؛ در بخش سوم، به روش پژوهش و متغیرهای آن، روش‌های تجزیه و تحلیل و یافته‌های پژوهش پرداخته شده است. در انتها، نتیجه‌گیری، پیشنهادها و محدودیت‌های پژوهش آمده است.

1. Richardson et al
2. Mills et al
3. Guan & Pourjalali
4. Annuar et al

مبانی نظری پژوهش

بحث نرخ مالیاتی و به تبع آن نرخ مؤثر مالیاتی براساس نظریه قدرت پرداخت از مهم‌ترین عوامل اجتناب مالیاتی است که چندان به آن توجه نمی‌شود. در گذشته برخی معتقد بودند که مالیات بهای خدمات دولت است. یعنی هرکس باید بهای خدمات دریافتی از دولت را به نسبت بهره‌مندی از آن خدمات به عنوان مالیات به دولت بپردازد. علیرغم دیدگاه مهرانی و سیدی (۱۳۹۳) که بیان می‌کنند مدت‌ها این نظریه مقبول و طبق آن پرداخت مالیات اختیاری بود، اولاً، به دلیل اینکه عده‌ای وضعیت مالی خوبی نداشتند و ثانیاً، معیار اندازه‌گیری برای استفاده از خدمات دولت وجودنداشت در عمل با مشکل مواجه شد. مشکلات مطرح شده در تئوری و عمل این نظریه باعث گردید نظریه اجباری بودن مالیات مطرح گردید. طبق نظریه جدید، مالیات، تامین هزینه‌های عمومی دولت با دریافت قسمتی از درآمدها و دارایی‌های افراد یک کشور برای، توزیع عادلانه ثروت و کنترل هدایت فعالیت‌های اقتصادی در مسیر مورد نظر دولت است. منطقی است که مردم به طور کلی باید در هزینه‌های مالیاتی مشارکت داشته و مبلغ مالیاتی که افراد پرداخت می‌کنند باید با توانایی پرداخت آن‌ها رابطه داشته باشد. به عبارت دیگر، هر قدر قدرت توان پرداخت شرکت‌ها در پرداخت مالیات کمتر باشد، سبب می‌شود شرکت‌ها به دنبال راهکارهایی باشند که مالیات را پرداخت نکنند. این راهکارها می‌تواند از طریق خلاءهای قانونی مثل اجتناب مالیاتی باشد.

آلینگهام و سندمو^۱ (۱۹۷۲) بیان می‌کنند همزمان با افزایش نرخ مالیات با دو گزینه مواجه هستیم: کل درآمد و یا این که تنها بخشی از آن را گزارش دهیم. گوان و پورجلالی (۲۰۱۰) عنوان نمودند که وقتی سود شرکت افزایش یابد، مالیات پرداختی به سبب آن افزایش می‌یابد و مدیر انگیزه دارد دست به اجتناب مالیاتی بزند. هرچه نرخ مؤثر مالیاتی بالاتر باشد، تمایل به استفاده از روش‌های کاهنده سود توسط مدیران شرکت‌ها بیشتر می‌شود. یکی از راه‌های کاهنده سود از طریق اجتناب مالیاتی، ایجاد تفاوت در سود حسابداری (سود قبل از کسر مالیات) و سود مشمول مالیات است.

در بررسی عوامل تأثیرگذار بر میزان درآمد مشمول مالیات شرکت‌های ایرانی، قانون مالیات‌ها به دو بخش مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شود. عوامل تأثیرگذار بر میزان درآمد مشمول مالیات اشخاص حقوقی ایرانی و نحوه ارتباط آن‌ها طبق قانون مالیات‌های مستقیم را می‌توان به شرح زیر تقسیم‌بندی نمود؛

الف) با توجه به درآمد و ساختار شرکت‌ها عواملی که بر تعیین میزان درآمد مشمول مالیات آن‌ها تأثیرگذار هستند، شامل پنج گروه می‌باشند: گروه (۱): درآمدهای معاف از پرداخت مالیات به طور دائم، گروه (۲): درآمدهایی که موقتاً از پرداخت مالیات معاف هستند، گروه (۳): درآمدهایی که نرخ مالیات بردرآمد شرکت‌ها از نرخ مالیات معین آن‌ها بیشتر است (نرخ ماده ۱۰۵ ق م م)، گروه (۴): درآمدهای مشمول نرخ مالیات بردرآمد شرکت‌ها (نرخ ماده ۱۰۵ ق م م)، گروه (۵): درآمدهای دارای نرخ مالیاتی مقطوع بیشتر از نرخ مالیات بردرآمد شرکت‌ها.

ب) با در نظر گرفتن نوع و ساختار هزینه‌های شرکت مشخص می‌شود که برای محاسبه درآمد مشمول مالیات بخشی از این هزینه‌ها قابل حذف کردن نمی‌باشد، بنابراین ساختار هزینه‌ها از دو قسمت تشکیل گردیده است: قسمت اول هزینه‌های قابل قبول (منطبق بر مواد ۱۴۷ تا ۱۵۱)، قسمت دوم هزینه‌های غیر قابل قبول. ج) در توصیف نوع ارتباط عوامل تعیین کننده بر درآمد مشمول مالیات با هم دیگر، مشخص گردید ساختار هزینه‌ها و میزان برخورداری از سایر معافیت‌ها، با تعلق گرفتن یا نگرفتن مالیات معین به منابع درآمدی شرکت‌ها (گروه‌های درآمدی فوق، به جزء (۴))، هیچ گونه اثری بر میزان قطعی مالیات قابل پرداخت شرکت ندارند، و حداکثر اثرگذاری بر میزان قطعی مالیات پرداختنی شرکت ناشی از ساختار هزینه‌ها و میزان استفاده از سایر معافیت‌ها هنگامی خواهد بود که بر تمامی منابع درآمدی شرکت (گروه ۴) مالیات تعلق گیرد. در نتیجه، افزایش نرخ مؤثر مالیاتی سبب تشدید این تفاوت در گروه چهارم خواهد شد. بنابراین، شرکت‌ها تلاش می‌کنند تا نرخ مالیات واقعی خود را با استفاده از خلاءهای قانونی تا حد ممکن کاهش دهند تا در نهایت، به نرخ مؤثر مالیاتی که باید مالیات را از طریق آن پرداخت کنند، دست یابند. با توجه به مطالب فوق فرضیه اول این پژوهش این گونه مطرح می‌گردد:

فرضیه (۱): نرخ مؤثر مالیاتی بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و معنی دار دارد.

از طرفی یکی از عواملی که می‌تواند بر رابطه نرخ مؤثر مالیاتی و اجتناب مالیاتی تأثیرگذار باشد کیفیت حاکمیت شرکتی است. باباجانی و عبدی (۱۳۸۹) بیان می‌کنند که کیفیت حاکمیت شرکتی از دو جنبه مورد بررسی قرار می‌گیرد. رویکرد محدود که به رابطه بین شرکت و سهامداران محدود می‌شود و رویکرد گسترده که توجه جدی به حقوق همه ذی‌نفعان دارد. رویکردهای محدود در قالب تئوری نمایندگی و رویکردهای گسترده در قالب تئوری ذی‌نفعان بیان می‌شود. آلبینگهام و سندمو (۱۹۷۲) بیان می‌کنند که بحث اجتناب مالیاتی در شرکت‌هایی با جدایی مالکیت بیشتر مورد توجه است، زیرا افراد حقیقی به دلایلی مانند جرمه شدن، ریسک‌گریزی، احتمال کشف و یا انگیزه‌های درونی، نظیر وظیفه اجتماعی، کمتر به اجتناب مالیاتی می‌پردازند. خانی و همکاران (۱۳۹۲) نیز عقیده دارند، در شرکت‌ها معمولاً از نظر سرمایه‌گذاران منفعت شخصی برای مدیران در اولویت بوده و در صورت بیشتر بودن منافع اضافی حاصل از کاهش بدهی‌های احتمالی بر هزینه اضافی مورد انتظار، به دنبال کاهش بدهی‌های مالیاتی و اجتناب مالیاتی هستند.

از دیدگاه جنسن و مک‌کلینگ^۱ (۱۹۷۶)، نظریه مسئله نمایندگی منشأ اجتناب مالیاتی می‌باشد، که به دنبال آن تصمیمات مالیاتی توسط مدیر اتخاذ می‌شود که منافع شخصی او را به دنبال دارد. بنابراین، یافتن روش‌ها و انگیزه‌های کنترلی برای کاهش هزینه‌های نمایندگی از چالش‌های پیش رو برای سهامداران و هیات‌مدیره می‌باشد. از نظر دسای و همکاران^۲ (۲۰۰۷) مدیران با توجه به این که منافع شخصی خود را

1. Jensen & Meckling

2. Desai et al

ارجح می‌دانند معاملاتی را که سبب کاهش مالیات می‌گردد و ساختار شرکت را مبهم‌تر می‌کند، دنبال کرده و منابع شرکت را در راستای منافع شخصی خود استفاده می‌کنند. هانلون و هیتزمن^۱ (۲۰۱۰) معتقدند کیفیت حاکمیت شرکتی مطلوب از منظر دولت به رویکردی اطلاق می‌شود که حقوق دولت نیز به عنوان یکی از گروه‌های ذینفع رعایت‌گردیده و سهم وی از سود شرکت به صورت دقیق و روشن مشخص شود. مردانی و همکاران (۱۳۹۷) با این حال، مالیات‌پردرآمد از منظر شرکت‌ها هزینه است و شرکت‌ها انگیزه خواهند داشت به منظور افزایش ارزش شرکت، تا حد ممکن در هزینه‌های خود صرفه‌جویی نمایند. با افزایش نرخ مالیاتی و به تبع آن نرخ مؤثر مالیاتی هنگامی که دولت‌ها ضعیف باشند، شرکت‌ها به دنبال تدابیری هستند که مالیات بنگاه‌ها را به عنوان یک هزینه کاهش دهند. بنابراین کیفیت حاکمیت شرکتی نیز از جمله عواملی است که می‌تواند بر فعالیت‌های اجتناب از مالیات اثر بگذارد و عاملی مؤثر بر نوع واکنش شرکت‌ها، نسبت به تغییرات نرخ مالیات آن‌ها باشد. با توجه به مطالب فوق فرضیه دیگر این پژوهش این گونه مطرح می‌گردد:

فرضیه (۲): کیفیت حاکمیت شرکتی رابطه بین نرخ مؤثر مالیاتی و اجتناب مالیاتی را تضعیف می‌کند.

پیشینه تجربی پژوهش

اجتناب مالیاتی شرکت‌ها طی سال‌های اخیر در تحقیقات حوزه مالیات و دانشگاهی بسیار مورد توجه قرار گرفته و به‌خوبی مشخص شده است که اجتناب مالیاتی از جمله موانع اصلی رسیدن به یک نظام سالم مالیاتی است. علی‌رغم پیشرفت‌هایی که در درک عوامل تعیین‌کننده اجتناب مالیاتی در چند سال اخیر صورت گرفته است، ولی دانش بسیار کمی در خصوص تأثیر همزمان نرخ مؤثر مالیاتی و کیفیت حاکمیت شرکتی بر روی اجتناب مالیاتی وجود دارد. در این پژوهش این تأثیرات به طور همزمان بر روی اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از جمله پژوهش‌هایی که به بررسی نرخ مؤثر مالیاتی بر روی اجتناب مالیاتی پرداخته‌اند، دایرنگ و همکاران^۲ (۲۰۱۷) و برادشو و همکاران^۳ (۲۰۱۹)، بودند، آن‌ها دریافتند؛ الف) نرخ مؤثر مالیاتی در طول زمان بین شرکت‌های کاملاً داخلی و شرکت‌های چندملیتی اساساً کاهش یکسانی داشته و اکثر شرکت‌های کاملاً داخلی از مالیات‌ها با نرخ‌ی برابر یا بزرگ‌تر از شرکت‌های چندملیتی برخوردار و هردو نوع شرکت از کاهش نرخ مؤثر مالیاتی در طول زمان بهره‌مند شده‌اند. ب) اجتناب مالیاتی کم‌تر و احتمال ارتقای مدیریت به سطوح بالاتر با نرخ‌های مؤثر مالیاتی در شرکت‌های تحت مالکیت دولتی وجود دارد، زیرا نرخ‌های مؤثر مالیاتی در شرکت‌های تحت مالکیت دولتی نسبت به شرکت‌های غیردولتی بالاتر است.

پورحیدری و سروستانی (۱۳۹۲) نیز دریافتند از آنجایی که رابطه اندازه شرکت و نرخ مؤثر مالیاتی منفی است، وجود تئوری قدرت سیاسی در ایران تأیید می‌گردد. علاوه بر این، بین فزونی سرمایه‌گذاری در

1. Hanlon & Heitzman
2. Dyreng et al
3. Bradshaw et al



موجودی کالا، فزونی سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت، نوع صنعت و نسبت بدهی با نرخ مؤثر مالیاتی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. با این‌وجود رابطه معنی‌داری بین عمر شرکت و فرصت رشد وجود ندارد. از طرفی مالکان نهادی نقشی متهورانه در مدیریت مالیات ایفاء می‌نمایند، در واقع، یک رابطه منفی با نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها دارند.

همچنین، بهارمقدم و امینی نیا (۱۳۹۳) و قرنجیک و گرکز (۱۳۹۷) دریافتند؛ الف) هرچه در شرکت‌ها تمرکز مالکیت بالاتر باشد، شرکت‌ها نرخ مؤثر مالیاتی بیشتری دارند و کم‌تر رویه‌های جسورانه مالیاتی را دنبال می‌کنند، همچنین، اگر دولت بزرگ‌ترین سهامدار باشد رویه‌های جسورانه مالیاتی کاهش می‌یابد. ب) بین درصد اعضای غیرمؤلف هیأت مدیره و درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی با تفاوت دفتری مالیات، نرخ مؤثر مالیات و نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی رابطه معنی‌دار، اما بین دوگانگی وظایف مدیرعامل با تفاوت دفتری مالیات، نرخ مؤثر مالیات و نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی رابطه معنی‌داری مشاهده نمی‌گردد. با این‌وجود برقراری مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی مطلوب در شرکت‌ها، اجتناب مالیاتی را کاهش می‌دهد و به حقوق دولت به عنوان یکی از گروه‌های ذینفع توجه می‌شود. در واقع اجتناب مالیاتی با داشتن اثرات منفی بر اعتبار شرکت‌ها، خطرهای آتی در زمینه بدهی‌های مالیاتی و جریمه‌های مرتبط با آن‌ها را افزایش می‌دهد.

ازجمله پژوهش‌هایی که به بررسی کیفیت حاکمیت شرکتی بر روی اجتناب مالیاتی می‌پردازند، مینیک و نوگا^۱ (۲۰۱۰) و بدرتسچر^۲ (۲۰۱۳) دریافتند؛ الف) نشانه‌های اندکی در خصوص ارتباط حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی وجود دارد و اجتناب مالیاتی سهامداران را منتفع می‌سازد و این مهم به‌طور مثبت با افزایش عایدی سهامداران در ارتباط است. ب) مالکیت خانوادگی، خارجی و دولتی جزء عوامل تعیین‌کننده بالقوه اجتناب مالیاتی می‌باشند و سازوکارهای حاکمیت شرکتی قوی می‌توانند چنین رابطه‌ای را کاهش دهند.

آرمسترانگ و همکاران^۳ (۲۰۱۵)، ریچاردسون و همکاران (۲۰۱۶)، عبد الوهاب و همکاران^۴ (۲۰۱۷) و حمیدیان (۱۳۹۶) نیز دریافتند؛ الف) حاکمیت شرکتی درصد ایجاد توازن اجتناب مالیاتی است، در شرکت‌هایی که اجتناب مالیاتی بسیار پایین است، گرایش به افزایش آن و در شرکت‌هایی که خیلی بالا است درصد کاهش آن است. ب) در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، تهور مالیاتی بیشتر بوده و بین مالکیت نهادی و تهور مالیاتی ارتباط غیرخطی وجود دارد. ج) بین تفکیک مدیرعامل از اعضا، ریسک تجاری پایین و مالکیت سهامداران نهادی با اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. همچنین، بین نوسان‌پذیری بازده، ریسک تجاری بالا، پاداش هیأت‌مدیره، سهام تحت تملک اعضای هیأت‌مدیره و درصد سهام شناور آزاد با اجتناب مالیاتی، رابطه مثبت و بین میزان مالکیت و نفوذ دولت در شرکت و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

1. Minnick & Noga
2. Badertscher et al
3. Armstrong et al
4. Abdul Wahab et al

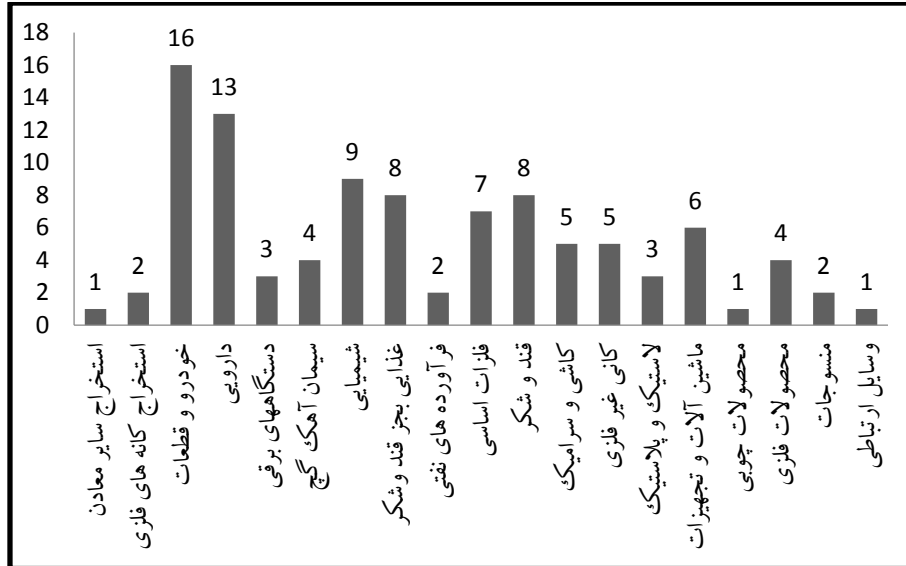
همچنین باباجانی و عبدی (۱۳۸۹)، پورحیدری و برهانی نژاد (۱۳۹۱)، محمودی و جبارزاده کنگرلوئی (۱۳۹۳) و سپاسی و فتاحی (۱۳۹۳) دریافتند که الف) بین حاکمیت شرکتی، جدابودن مدیرعامل از رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره، درصد مدیران غیرموظف هیات مدیره و درصد مالکیت سهامداران نهادی با درصد اختلاف سود مضمول مالیات ابرازی و قطعی رابطه معنی داری وجود ندارد. ب) بین اندازهی مؤسسه حسابرسی و مدیریت مالیات، رابطه منفی و بین نرخ مؤثر مالیاتی و دوگانگی وظایف مدیرعامل ارتباط مثبت معنی دار وجود دارد. ج) دوگانگی مدیرعامل تأثیر معنی داری بر نرخ مؤثر مالیات شرکتها نداشته ولی استقلال هیأت مدیره و اندازه شرکت دارد، همچنین از نرخ بازده داراییها به عنوان متغیر کنترلی استفاده شده که تأثیر معنی داری بر نرخ مؤثر مالیاتی شرکتها ندارد. د) وضعیت مالیاتی رابطه منفی با سیاست تقلیل دهنده مالیاتی دارد.

روش شناسایی پژوهش

برای آزمون فرضیه های پژوهش، رگرسیون خطی چندمتغیره به کار می رود. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. نمونه در واقع تعداد اندکی از آحاد جامعهی آماری است که ویژگی های عمده جامعه را بیان می کند. در پژوهش حاضر با توجه به ماهیت، به منظور تعیین نمونه آماری شرایط زیر در نظر گرفته شده است و در صورتی که شرکتی کلیه معیارها را احراز کرده باشد به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده و مابقی حذف می شوند. روند انتخاب ۱۰۰ شرکت نمونه در یک دوره شانزده ساله در جدول (۱) ارائه شده است. داده های این پژوهش، با استفاده از بانک اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران (کدال) و نرم افزار ره آورد نوین گردآوری شده است. همچنین از صورت های مالی اساسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و یادداشت های همراه صورت های مالی آنها در پایان هر سال مالی، به عنوان ابزار پژوهش استفاده می شود.

جدول ۱. روند انتخاب نمونه

تعداد کل شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تا پایان سال ۱۳۹۷ = ۵۱۳		
تعداد کل شرکتها به سال - شرکت ۸۲۰۸		
شرکت های باقی مانده	شرکت های مشمول	شرح محدودیت
۵۲۴۸	۲۹۶۰	تعداد شرکت هایی که در بازه زمانی ۹۷ - ۸۲ در بورس فعال نبوده اند.
۲۳۸۴	۲۸۶۴	تعداد شرکت هایی از سال ۸۲ به بعد در بورس پذیرفته شده اند.
۲۰۰۰	۳۸۴	تعداد شرکت هایی که جزهلدینگ، سرمایه گذاری ها، واسطه گری های مالی، بانکها و یا لیزینگها بوده اند.
۱۶۰۰	۴۰۰	تعداد شرکت هایی که در بازه زمانی پژوهش تغییر سال مالی داده اند.
-	-	تعداد شرکت هایی که در بازه زمانی پژوهش اطلاعات مورد آنها در دسترس نمی باشد.
۱۶۰۰	-	تعداد شرکت - سال مشاهده



نمودار ۱. توزیع فراوانی شرکت‌های نمونه بر حسب صنعت

مدل‌ها و متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از مدل رگرسیونی چندمتغیره استفاده شده است. برای بررسی آزمون مدل فرضیه اول پژوهش از مدل شماره (۱) استفاده می‌شود، که به شرح زیر است:

مدل (۱)

$$\text{Tax Avoidance}_{it} = \beta_0 + \beta_1 TR_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 PPE_{it} + \beta_4 \Delta PPE_{it} + \beta_5 LEVERAGE_{it} + \beta_6 INTANGIBLES_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 MTB_{it} + \beta_9 SALE GROWTH_{it} + \beta_{10} VOLATILITY_{it} + \beta_{11} AGE_{it} + \beta_{12} \sum FIRMS FIXED EFFECTS_{it} + \beta_{13} \sum YEAR FIXED EFFECTS_{it} + \varepsilon_{it}$$

به منظور بررسی فرضیه دوم پژوهش نیز از مدل شماره (۲) به شرح زیر استفاده شده است.

مدل (۲)

$$\text{Tax Avoidance}_{it} = \beta_0 + \beta_1 TR_{it} + \beta_2 CG_{it} + \beta_3 (TR * CG)_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 PPE_{it} + \beta_6 \Delta PPE_{it} + \beta_7 LEVERAGE_{it} + \beta_8 INTANGIBLES_{it} + \beta_9 ROA_{it} + \beta_{10} MTB_{it} + \beta_{11} SALE GROWTH_{it} + \beta_{12} VOLATILITY_{it} + \beta_{13} AGE_{it} + \beta_{14} \sum FIRMS FIXED EFFECTS_{it} + \beta_{15} \sum YEAR FIXED EFFECTS_{it} + \varepsilon_{it}$$

اجتناب مالیاتی (Tax Avoidance)

هانلون و هیتمن (۲۰۱۰) در واقع اجتناب از مالیات، نوعی استفاده از خلاءهای قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات می‌باشد. فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات به صورت متعارف شیوه‌های

انتقال منابع از دولت به سهامداران به منظور صرفه‌جویی در مالیات می‌باشد و باعث رشد ارزش شرکت پس از پرداخت مالیات می‌گردد. اجتناب از پرداخت مالیات در این پژوهش به پیروی از عرب صالحی و هاشمی (۱۳۹۴) از اختلاف سود حسابداری و سود مشمول مالیات شرکت I در سال t که از تفاضل سود حسابداری (سود قبل از کسر مالیات) و سود مشمول مالیات محاسبه می‌شود. علاوه بر این، جهت همانندسازی، این متغیر بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها (رابطه ۳) تقسیم می‌گردد.

سود مشمول مالیات - سود حسابداری
ارزش دفتری کل دارایی‌ها

(۳)

نرخ مؤثر مالیاتی (Effective Tax Rate)

گلستانی و همکاران (۱۳۹۳) نرخ مؤثر مالیاتی با استفاده از دو روش خرد اقتصادی و کلان اقتصادی محاسبه می‌شود. در روش اول که اغلب در کشورهایی که از زیرساخت‌های اطلاعاتی خوبی برخوردارند، از اطلاعات صورت‌های مالی اساسی شرکت‌ها برای محاسبه نرخ مؤثر مالیاتی یا به عبارت دیگر بار مالیاتی مؤدیان، استفاده می‌شود. در روش بعدی برای محاسبه نرخ مؤثر مالیاتی از آمار و اطلاعات موجود بر مبنای داده‌های حساب‌های ملی و پایه‌های مالیاتی استفاده می‌گردد. در این پژوهش برای محاسبه نرخ مؤثر مالیاتی به پیروی از پورحیدری و همکاران (۱۳۹۳) از رابطه ۴، که در واقع شاخص خرد نرخ مؤثر مالیاتی می‌باشد، استفاده شده است.

$$ETR = \frac{\text{Total Tax Expense}_{it}}{\text{Pre Tax Income}_{it}} \quad (4)$$

در رابطه فوق $\text{Total Tax Expense}_{it}$ کل هزینه مالیات شرکت I در سال t و $\text{Pre Tax Income}_{it}$ ، بیان‌کننده سود قبل از مالیات شرکت I در سال t است.

کیفیت حاکمیت شرکتی (Corporate Governance Quality)

با توجه به مبانی نظری مقاله، حاکمیت شرکتی یکی از مؤثرترین ابزارهای پیشگیری و کاهش وقوع اجتناب مالیاتی به‌ویژه در بخش شرکتی است. نمازی و کرمانی (۱۳۸۷) به طور کلی حاکمیت شرکتی، شامل ترتیبات فرهنگی، نهادی و حقوقی برای تعیین جهت و عملکرد شرکت‌ها است، در نتیجه در این مقاله یکی از مواردی که به دنبال آن هستیم، تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر تضعیف تأثیر نرخ مؤثر مالیاتی بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها می‌باشد.

در تعیین مؤلفه‌های کیفیت حاکمیت شرکتی در ایران، بر اساس مقاله مهرانی و صفرزاده (۱۳۹۰) در جدول (۲) و طبق نظر خبرگان در ایران، هجده عامل حاکمیت شرکتی شناسایی شده است که در این

مقاله براساس بازه زمانی شانزده ساله و وجود اطلاعات در خصوص این عوامل سیزده متغیر آنهایی که بیشتر می‌توانستند با موضوع اجتناب مالیاتی در ارتباط باشد انتخاب شده است. در آخر نیز، از کدگذاری به منظور کمی‌سازی متغیر کیفیت حاکمیت شرکتی استفاده شده است. در این روش به هر کدام از مؤلفه‌های سیزده‌گانه امتیاز ۰ و ۱ اختصاص یافته و نمره کیفیت حاکمیت شرکتی از جمع‌زدن این امتیازها تقسیم بر تعداد مؤلفه‌ها بدست می‌آید.

جدول ۲. سیزده مؤلفه‌ی کیفیت حاکمیت شرکتی در ایران

نام عامل	تعریف عملیاتی
اعضای غیرموظف در هیأت مدیره	فزونی نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضا، در صورت کم‌تر بودن اعضا غیرموظف نسبت به اعضا موظف، صفر در غیر این صورت یک
تفکیک نقش مدیرعامل از رئیس هیأت مدیره	تفکیک مدیرعامل از رئیس هیأت مدیره، صفر و در غیر این صورت یک
ثبات مدیرعامل	تغییر مدیرعامل شرکت در دو سال گذشته صفر در غیر این صورت یک
گردش شرکای مؤسسه حسابرسی	تغییر نیافتن شریک‌های امضاکننده گزارش حسابرسی شرکت در دو سال گذشته صفر و در غیر این صورت یک
اندازه‌ی مؤسسه حسابرسی	در صورت پایین‌تر بودن درآمد حسابرس از میانگین درآمد مؤسسات عضو جامعه، صفر در غیر این صورت یک
مهارت حسابرسی در صنعت	عدم به‌کارگیری حسابرس ماهر در صنعت صفر در غیر این صورت یک
وجود واحد حسابرسی داخلی	عدم وجود واحد حسابرسی داخلی صفر در غیر این صورت یک
وجود سهامداران دارای حق کنترل	عدم وجود سهامدار دارای حق کنترل صفر در غیر این صورت یک
تمرکز مالکیت	فزونی نسبت سهام شناور آزاد شرکت از متوسط سهام شناور آزاد مجموع شرکت‌ها صفر در غیر این صورت یک
مالکیت یا سهامداری دولت	پایین‌تر بودن نسبت مالکیت دولت از متوسط مجموع شرکت‌ها صفر در غیر این صورت یک
تعدیلات سالانه	بودن تعدیلات سنواتی خالص از مالیات صفر در غیر این صورت یک
اظهار نظر حسابرس	وجود اظهارنامه غیر مقبول صفر در غیر این صورت یک.
زمان‌بندی تنظیم اطلاعات	نمره اطلاع‌رسانی پایین‌تر از پنجاه صفر در غیر این صورت یک.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (Size): مبانی نظری عموماً بر پایه دو فرضیه هزینه‌های سیاسی و قدرت سیاسی می‌باشند، که رابطه مالیات و اندازه شرکت از مجرای آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. مهرانی و سیدی (۱۳۹۳) نشان دادند شرکت‌های بزرگ‌تر بیشتر در معرض نظارت دولت و رویارویی با هزینه‌های سیاسی و

پرداخت مالیات بیشتر به دولت قرار دارند. در مقابل، فرضیه قدرت سیاسی است که توسط سالامون و سیگفريد^۱ (۱۹۷۷) گسترش یافت. طبق این فرضیه، شرکت‌های بزرگ‌تر نسبت به شرکت‌های کوچک‌تر از برتری اقتصادی و قدرت سیاسی برخوردارند. این شرکت‌ها با استفاده از قدرت اقتصادی و لابی‌گری‌هایی که می‌نمایند، درصدد اثرگذاری بر قوانین می‌باشند و سعی دارند مالیات کمتری بپردازند و دولت نیز از این شرکت‌ها مالیات کم‌تری مطالبه‌نماید. برای تعیین اندازه شرکت از لگاریتم طبیعی دارایی‌ها استفاده گردید که با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها در پایان سال اندازه‌گیری می‌شود.

خالص دارایی‌های ثابت مشهود (PPE): شبانی تدرجی و همکاران (۱۳۹۷) اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات می‌تواند به اختلاف سود حسابداری و سود مأخذ محاسبه مالیات بالاتر یا پایین‌تر (مطابق با قوانین حسابداری و مالیاتی قابل اجرا بر روی آن‌ها) منجر شود. در نتیجه، خالص دارایی‌های ثابت مشهود آن می‌تواند عاملی اثرگذار بر مالیات بر عملکرد شرکت‌ها باشد و با تقسیم خالص دارایی‌های ثابت مشهود شرکت t در پایان سال t بر کل دارایی‌های شرکت t در پایان سال t محاسبه می‌شود.

بازده دارایی‌ها (ROA): بیانگر نسبت سود قبل از مالیات به کل دارایی‌های شرکت t در سال t است. مهرانی و سیدی (۱۳۹۳) بازده دارایی‌ها را جهت سنجش سودآوری شرکت‌ها مورد استفاده قرار داده است. با توجه به این که مالیات بر مبنای درآمد مشمول مالیات محاسبه می‌شود، سودآوری عاملی اثرگذار بر مالیات بر عملکرد شرکت‌ها می‌باشد.

سن شرکت (AGE): برابر است با لگاریتم تعداد سال‌هایی که شرکت برای اولین بار در بورس پذیرفته شده است. طالب‌نیا و همکاران (۱۳۹۶) چرخه عمر شرکت یکی از ویژگی‌های اقتصادی است. براساس تئوری چرخه عمر، شرکت‌ها در مراحل مختلف از نظر مالی و اقتصادی دارای نمودگرها و رفتارهای خاصی هستند. همچنین، با توجه به عکس‌العمل‌های مختلف شرکت‌ها در مراحل مختلف چرخه عمر ناشی از تکامل یک سازمان، به دلیل تغییر در عامل‌های درونی و بیرونی از جمله؛ انتخاب استراتژی و فشارهای رقابتی است که شرکت با آن روبه‌رو می‌شود، در نتیجه شرکت‌ها در مراحل مختلف از نظر مالی و اقتصادی دارای برنامه‌ریزی‌های متفاوتی هستند. به این معنا که ویژگی‌های مالی و اقتصادی یک شرکت تحت تأثیر مرحله‌ای از چرخه عمر است که شرکت در آن قرار دارد. به علاوه، مبانی نظری و شواهد تجربی نشان می‌دهد شرکت‌ها در تلاش هستند تا مالیات بردرآمد خود را کاهش دهند یا به تعویق بیندازند. اجتناب مالیاتی، ابزارهایی است که شرکت‌ها ممکن است برای کاهش مالیات در صورت لزوم بسته به وضعیت عمر شرکت از آن‌ها استفاده کنند.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

مقدار پارامترهای توصیفی شامل شاخص‌های مرکزی و پراکندگی مانند میانگین، میانه، انحراف معیار و کم‌ترین و بیشترین، به کمک آمار توصیفی متغیرهای پژوهش، برای ۱۰۰ شرکت عضو نمونه طی ۱۶ سال در جدول (۳) نشان داده شده‌است.

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرها در سطح کل شرکت‌ها

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	کم‌ترین	بیشترین
اجتناب مالیاتی	-۰/۰۲۱	-۰/۰۰۴	۰/۰۹۳	-۰/۴۱۰	۰/۲۷۷
نرخ مؤثر مالیاتی	۰/۱۱۳	۰/۱۲۶	۰/۰۸۸	۰/۰۰۰	۰/۲۸۲
کیفیت حاکمیت شرکتی	۰/۵۰۵	۰/۵۳۸	۰/۱۶۴	۰/۱۵۳	۰/۸۴۶
اندازه شرکت	۱۳/۴۹۱	۱۳/۳۳۴	۱/۴۷۸	۱۰/۵۳۶	۱۸/۱۱۰
دارایی‌های ثابت مشهود	۰/۲۶۸	۰/۲۳۶	۰/۱۷۴	۰/۰۲۵	۰/۷۵۰
تغییرات دارایی‌های ثابت مشهود	۰/۰۳۲	۰/۰۰۸	۰/۰۸۰	-۰/۱۰۹	۰/۴۲۳
اهرم مالی	۰/۰۸۰	۰/۰۵۳	۰/۰۷۹	۰/۰۰۱	۰/۴۱۲
دارایی‌های نامشهود	۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	۰/۰۰۹	۰/۰۰۰	۰/۰۵۴
بازده دارایی‌ها	۰/۱۳۴	۰/۱۰۵	۰/۱۴۹	-۰/۲۳۴	۰/۵۹۱
ارزش بازار به دفتری سهام	۲/۵۴۵	۱/۹۱۷	۲/۵۲۵	-۴/۳۵۰	۱۵/۹۵۸
رشد فروش	۰/۲۱۰	۰/۱۶۶	۰/۳۷۴	-۰/۵۲۱	۲/۱۳۳
نوسانات فروش	۰/۲۴۰	۰/۱۶۳	۰/۲۴۴	۰/۰۰۳	۱/۲۸۲
سن شرکت	۲/۸۷۴	۲/۸۹۰	۰/۴۵۶	۱/۷۹۱	۳/۸۲۸

لازم به ذکر است به منظور حذف اثرات داده‌های پرت، تمامی داده‌های پیوسته در سطح ۱ درصد و ۹۹ درصد وینسورایز گردیده‌اند. همان‌طور که مشاهده می‌شود، نزدیک‌بودن میانه و میانگین نشان‌دهنده توزیع آماری مناسب متغیرهای پژوهش است. همچنین، با صفر نبودن انحراف معیار می‌توان متغیرهای مدنظر را در مدل وارد کرد. با توجه به این‌که متغیر اجتناب مالیاتی در این پژوهش از تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات شرکت محاسبه شده، متوسط این متغیر $-۰/۰۲۱$ نشان می‌دهد که سود قبل از مالیات شرکت‌ها (سود حسابداری) کم‌تر از سود مشمول مالیات آن‌ها است. متوسط نرخ مؤثر مالیاتی، $۰/۱۱۳$ است، در حالی که نرخ مؤثر مالیاتی قانونی $۲۲/۵$ درصد بوده و این انحراف از نرخ قانونی بیان‌کننده فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی است. همچنین، حداقل نرخ مؤثر مالیاتی $۰/۰۰۰$ ، بیانگر این است که برخی از شرکت‌ها با این‌که سود گزارش می‌کنند هیچ‌گونه مالیاتی پرداخت نمی‌کنند.

پیش از تخمین مدل‌ها مشخص شد که نتایج دو آزمون F لیمر و هاسمن، از روش اثرهای ثابت برای تخمین داده‌های ترکیبی حمایت می‌کند. در این پژوهش برای بررسی همسانی واریانس باقیمانده‌ها از آزمون بارتلت استفاده شده‌است. با توجه به این‌که سطح معنی‌داری کم‌تر از $۰/۰۵$ می‌باشد، همسانی واریانس باقیمانده‌های مدل رد می‌شود.

برای رفع این مشکل در برآورد مدل به جای روش حداقل مربعات معمولی، از روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شده است. در بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک نتایج آزمون جارکوا- برا گویای آن است که باقیمانده‌های حاصل از برآورد مدل در سطح اطمینان ۹۵٪ از توزیع نرمال برخوردار نمی‌باشند. به طوری که مقدار احتمال سطح معنی داری مربوط به این آزمون صفر کوچکتر از ۰/۰۵ است. در این ارتباط، با توجه به تعداد بالای مشاهدات و قضیه حد مرکزی می‌توان از نرمال نبودن داده‌ها چشم‌پوشی کرد. برای همخطی میان متغیرهای مدل نیز از آنجایی که مقدار آماره VIF برای تمامی متغیرها کم‌تر از ۱۰ می‌باشد، می‌توان گفت هم‌خطی شدیدی میان آن‌ها وجود نداشته و این فرض از مفروضات رگرسیون کلاسیک نیز تأیید می‌شود.

نتایج آزمون فرضیه پژوهش

نتایج برآورد مدل (۱) در جدول (۴) آمده است. طبق این فرضیه انتظار می‌رود نرخ مؤثر مالیاتی بر اجتناب مالیاتی تأثیر مثبت و معنی داری داشته باشد. براساس نتایج ارائه شده سطح معنی داری آماره t مربوط به متغیر نرخ مؤثر مالیاتی صفر کوچکتر از ۰/۰۵ بوده و ضریب آن (۰/۲۸۴) مثبت می‌باشد، بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت رابطه مثبت و معنی داری میان نرخ مؤثر مالیاتی و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار وجود دارد، به طوری که با افزایش نرخ مؤثر مالیاتی بر اجتناب مالیاتی آن‌ها افزوده می‌شود. از این رو در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید شده و نشان دهنده اثر مثبت و معنی دار نرخ مؤثر مالیاتی بر اجتناب مالیاتی می‌باشد.

جدول ۴. نتایج برآورد الگوهای رگرسیون پژوهش

مدل‌های پژوهش	متغیرهای پژوهش	ضریب	آماره t	P-Value	علامت مورد انتظار
	ضریب ثابت	۰/۰۵۳	۱/۴۶۴	۰/۱۴۳۲	-/+
	نرخ مؤثر مالیاتی	۰/۲۸۴	۱۲/۱۷۳	۰/۰۰۰۰	+
	اندازه شرکت	-۰/۰۱۱	-۲/۵۲۲	۰/۰۱۱۸	-/+
	دارایی‌های ثابت مشهود	-۰/۰۳۷	-۲/۴۹۸	۰/۰۱۲۶	-/+
	تغییرات دارایی‌های ثابت مشهود	۰/۰۰۵	۰/۳۴۵	۰/۷۲۹۹	-/+
	اهرم مالی	۰/۰۱۴	۰/۸۰۹	۰/۴۱۸۶	+
	دارایی‌های نامشهود	۰/۱۹۶	۰/۷۲۶	۰/۴۶۷۸	-/+
	نرخ بازده دارایی‌ها	-۰/۳۸۶	-۱۵/۴۱۳	۰/۰۰۰۰	-/+
	نسبت ارزش بازار به دفتری سهام	-۰/۰۰۰۲	-۰/۲۵۵	۰/۷۹۸۵	+
	رشد فروش	۰/۰۰۶	۱/۸۱۴	۰/۰۶۹۸	+
	نوسانات فروش	-۰/۰۰۰۷	-۰/۱۰۴	۰/۹۱۷۱	-/+
	عمر شرکت	۰/۰۲۶	۳/۲۵۳	۰/۰۰۱۲	+
	AR(1)	۰/۲۸۸	۱۰/۴۷۹	۰/۰۰۰۰	
	آماره F مدل	۱۹/۳۱۲		(۰/۰۰۰۰)	
	آماره Jarque-Bera	۶۷/۳۴۴		(۰/۰۰۰۰)	
	آماره بارتلت	۸۴/۱۵۲		(۰/۰۰۰۰)	
	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۷۵۵			
	آماره دوربین واتسن	۱/۹۹۴			

جدول ۵. نتایج برآورد الگوهای رگرسیون پژوهش

مدل‌های پژوهش	ضریب	آماره t	P-Value	علامت مورد انتظار
متغیرهای پژوهش	۰/۰۵۹	۱/۶۲۳	۰/۱۰۴۸	-/+
ضریب ثابت	۰/۲۳۱	۳/۹۳۹	۰/۰۰۰۱	+
نرخ مؤثر مالیاتی	۰/۰۳۱	۲/۰۷۹	۰/۰۳۷۸	-
کیفیت حاکمیت شرکتی	۰/۰۳۹	۰/۲۹۳	۰/۷۶۹۱	-
نرخ مؤثر مالیاتی × کیفیت حاکمیت شرکتی	-۰/۰۱۲	-۲/۷۸۰	۰/۰۰۵۵	-/+
اندازه شرکت	-۰/۰۳۸	-۲/۵۰۷	۰/۰۱۲۳	-/+
دارایی‌های ثابت مشهود	۰/۰۰۶	۰/۴۴۱	۰/۴۵۹۰	-/+
تغییرات دارایی‌های ثابت مشهود	۰/۰۱۶	۰/۸۹۸	۰/۳۶۹۰	+
اهرم مالی	۰/۱۹۹	۰/۷۴۲	۰/۴۵۸۲	-/+
دارایی‌های نامشهود	-۰/۳۹۵	-۱۵/۸۹۴	۰/۰۰۰۰	-/+
نرخ بازده دارایی‌ها	-۰/۰۰۰۱	-۰/۰۲۸	۰/۹۷۶۹	+
نسبت ارزش بازار به دفتری سهام	۰/۰۰۷	۱/۹۸۵	۰/۰۴۷۳	+
رشد فروش	-۰/۰۰۰۹	-۰/۱۳۳	۰/۸۹۳۵	-/+
نوسانات فروش	۰/۰۳۴	۳/۰۸۸	۰/۰۰۲۱	+
عمر شرکت	۰/۲۸۴	۱۰/۳۸۶	۰/۰۰۰۰	+
AR(1)				
آماره F مدل	۱۹/۰۵۸		(۰/۰۰۰۰)	
آماره Jarque-Bera	۶۱/۵۷۲		(۰/۰۰۰۰)	
آماره بارتلت	۸۵/۴۴۰		(۰/۰۰۰۰)	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۷۶۵			
آماره دوربین واتسن	۱/۹۹۴			

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج برآورد مدل (۲) در جدول (۵) مشاهده می‌شود. براساس سطح معنی‌داری آماره t مربوط به متغیر نرخ مؤثر مالیاتی (۰/۰۰۰۱) کوچک‌تر از ۰/۰۵ بوده و ضریب آن (۰/۲۳۱) مثبت می‌باشد، بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت رابطه مثبت و معنی‌داری میان نرخ مؤثر مالیاتی و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار وجود دارد اما، با اضافه‌شدن متغیر کیفیت حاکمیت شرکتی به رابطه فوق، سطح معنی‌داری آماره t مربوط به متغیر «نرخ مؤثر مالیاتی × کیفیت حاکمیت شرکتی» به بالاتر از ۰/۰۵ (۰/۷۶۹۱) افزایش می‌یابد و گویای آن است که کیفیت حاکمیت شرکتی اثر معنی‌داری بر رابطه میان نرخ مؤثر مالیاتی و اجتناب مالیاتی ندارد و در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود.

براساس نتایج آزمون F برای مدل‌های رگرسیونی ارائه‌شده در جدول (۴) و (۵)، مقدار سطح احتمال آزمون F برابر صفر و کم‌تر از سطح اهمیت مدنظر مورد مطالعه ۰/۰۵ است، در نتیجه با اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار بودن کلی مدل‌ها تایید و بین متغیر مستقل و وابسته رابطه خطی برقرار است. علاوه‌براین از آنجایی که مقدار آماره دوربین واتسن (۱/۹۹۴) مابین عدد ۱/۵ و ۲/۵ می‌باشد، لذا استقلال باقیمانده مدل‌ها نیز مورد پذیرش قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است در برآورد اولیه مدل‌ها با توجه به این‌که براساس نتایج آماره دوربین واتسن وجود خودهمبستگی باقیمانده مدل‌ها تأیید گردیده بود. برای رفع این مشکل متغیر خودهمبسته مرتبه اول AR(1) وارد مدل‌های پژوهش شده‌است.

مقدار ضریب تعیین تعدیل شده مدل (۱)، ۰/۵۷۵۵ و مدل (۲)، ۰/۵۷۶۵ گویای آن است که تغییرات اجتناب مالیاتی شرکتها توسط متغیرهای وارد شده در مدلها تبیین می‌شود. مقدار بالای ضریب تعیین تعدیل شده نشان دهنده توضیح دهنده‌گی بالای مدلها در توصیف تغییرات ایجاد شده به وسیله متغیر مستقل در متغیر وابسته می‌باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مالیات نوعی هزینه است که دولت‌ها به تمام واحدهایی که به نوعی سودآوری دارند، تکلیف می‌کنند. چنانچه اشخاص حقوقی و شرکتها، واحدهایی در نظر گرفته شوند که به منظور کسب سود به ادامه فعالیت مبادرت می‌ورزند، می‌توان توقع داشت در پی راهکارهایی برای کاهش مالیات باشند. در این پژوهش تلاش شده است تا با محاسبه متغیرهای مورد استفاده شواهد تجربی مناسبی در ارتباط با تأثیر نرخ مؤثر مالیاتی و کیفیت حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی ارائه شود.

در خصوص اولین فرضیه پژوهش، با توجه به نظریه قدرت پرداخت، که هر قدر قدرت توان پرداخت شرکتها در پرداخت مالیات کم‌تر باشد، سبب می‌شود شرکتها دنبال راهکارهایی باشند که مالیات پرداخت نکنند. همچنین، طبق مبانی نظری، هر چه نرخ مؤثر مالیاتی افزایش داشته باشد، مدیران بیشتر از روش‌های کاهش دهنده سود (اجتناب مالیاتی) استفاده خواهند کرد. طبق یافته‌های این پژوهش، مدل نرخ مؤثر مالیاتی بر اجتناب مالیاتی مورد تأیید قرار گرفت. در دوره شانزده ساله، ضریب نرخ مؤثر مالیاتی معنی دار بوده است، به طوری که با افزایش نرخ مؤثر مالیاتی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار افزوده شده است. در مقام مقایسه، نتایج این پژوهش با پژوهش‌های بررسی شده گون و پورجلالی (۲۰۱۰) و میلز و همکاران (۱۹۹۸) همسویی دارد.

در خصوص دومین فرضیه پژوهش مدل کیفیت حاکمیت شرکتی بر رابطه نرخ مؤثر مالیاتی بر اجتناب مالیاتی رابطه معنی داری وجود ندارد. این نتیجه می‌تواند از دو بعد مورد بررسی قرار گیرد؛ بعد اول، تأثیر مثبت کیفیت حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی است. در مقام مقایسه نتایج این پژوهش با پژوهش صورت گرفته توسط مینیک و نوگا (۲۰۱۰) نسبتاً همسو است و بیان می‌کند نشانه‌های اندکی در خصوص ارتباط حاکمیت شرکتی و کاهش اجتناب مالیاتی وجود دارد. اما، با پژوهش‌های بهارمقدم و امینی نیا (۱۳۹۳) و قرنچک و گرکز (۱۳۹۷) که به رابطه معنی دار و منفی رسیده‌اند، همسو نیست. در واقع می‌توان استدلال کرد با توجه به این که اجتناب مالیاتی سهامداران را منتفع می‌سازد و این مهم به طور مثبت با افزایش عایدی سهامداران در ارتباط است، یک تضاد منافع بین اهداف مدیران در شرکتها و کسب درآمد دولت‌ها از طریق مالیات وجود دارد. در واقع مدیران حتی با افزایش کیفیت حاکمیت شرکتی باز هم دست به اجتناب مالیاتی خواهند زد و شاید کیفیت حاکمیت شرکتی تأثیری بر اجتناب مالیاتی به‌عنوان یک اقدام کارآ جهت کاهش مالیات نداشته باشد. در بعد عدم تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر رابطه نرخ مؤثر مالیاتی و اجتناب مالیاتی نیز می‌توان استدلال کرد با توجه به این که حاکمیت شرکتی در ایران به طور کامل توسعه نیافته و مکانیزم‌ها و ساختارهای فعلی آن در ایران هنوز به طور استاندارد و همه‌گیر پیاده‌سازی نشده است، محیط کنترلی و نظارتی، همراه با کارایی کم‌تری، البته نه به‌طور کامل، باعث گردد در چنین شرایطی این تأثیر در بعد نظارتی کاهش یابد.

در خصوص متغیرهای کنترلی معنی دار در پژوهش نیز می‌توان بیان نمود که اندازه شرکت بر اساس تئوری هزینه‌های سیاسی، دارایی‌های ثابت مشهود با توجه به اختلاف سود حسابداری و سود مأخذ محاسبه

مالیات بالاتر یا پایین تر (مطابق با قوانین حسابداری و مالیاتی قابل اجرا بر روی آن‌ها) و نرخ بازده دارایی‌ها، با توجه به این که سودآوری عاملی اثرگذار بر مالیات بر عملکرد شرکت‌ها است، به طور منفی بر اجتناب مالیاتی تاثیر دارد. اما، براساس تئوری چرخه عمر سن شرکت به طور مثبت بر اجتناب مالیاتی تاثیر می‌گذارد. با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌گردد کارشناس‌های امور مالیاتی و به تبع آن دولت‌ها بهتر است در ارزیابی‌های قوانین مالیاتی خود افزون بر معیارهای مالی به عوامل غیرمالی مانند کیفیت حاکمیت شرکتی، آن هم نه فقط یک مؤلفه بلکه، تمامی مؤلفه‌های مرتبط با مباحث مالیاتی توجه نمایند. زیرا نتایج این پژوهش نشان می‌دهد با برقراری تمامی مؤلفه‌های کیفیت حاکمیت شرکتی مربوط به مالیات، رابطه نرخ مؤثر مالیاتی با اجتناب مالیاتی تضعیف نمی‌گردد و به حقوق دولت به عنوان یکی از گروه‌های ذینفع توجه نمی‌شود و تعهدات مالیاتی برآورده نمی‌گردد. بنابراین، نمی‌توان با بالا بردن کیفیت حاکمیت شرکتی نسبت به وصول درآمدهای مالیاتی که از منابع مهم درآمدی در شرایط تحریمی حال حاضر کشور محسوب می‌گردد، اطمینان حاصل نمود. بنابراین، بهتر است تمرکز از حاکمیت شرکتی به عنوان یکی از معیارهای غیرمالی برداشته و جنبه‌های دیگری مدنظر قرار گیرد. همچنین، سازمان امور مالیاتی کل کشور در خصوص نرخ مالیاتی می‌بایست قوانین مالیاتی را تصویب کند تا شرکت‌ها در تصمیمات و استراتژی‌های مالیاتی ضمن در نظر گرفتن افق دید بلندمدت پیامدها و تأثیرات احتمالی ناشی از اجتناب مالیاتی و به تبع آن جرائم مالیاتی و متضرر شدن سهامداران را در نظر بگیرند.

با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش که کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار داده است، لذا برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود که موضوع را در صنعت خاص و حتی، براساس سال‌هایی که تورم و تحریم‌های بیشتری در کشور وجود داشته مورد بررسی قرار داده و با توجه به گستردگی بحث اجتناب از مالیات، از طریق رویکردهای مدیریتی، اقتصادی، روانشناسی و اجتماعی نیز مورد بررسی و اثر سایر متغیرها بر روی آن مورد پژوهش قرار گیرد. همچنین، حساب ذخیره مالیات یکی از حساب‌های مندرج زیر سرفصل بدهی‌های جاری در ترازنامه است که هر سال براساس معیارهای مورد نظر مدیریت برآورده می‌گردد، بنابراین، پیشنهاد می‌گردد شناسایی عواملی که باعث برآورد دقیق حساب ذخیره مالیات می‌گردد، مورد بررسی قرار گیرد. از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان بر عملیاتی کردن مؤلفه‌های متغیر کیفیت حاکمیت شرکتی اشاره نمود. در واقع با توجه به تأثیر آن‌ها بر روی مالیات شرکت‌ها و اثربخشی هر یک وزن یکسانی داده شده است، در صورتی که برخی شرکت‌ها در بعضی از زمینه‌های کیفیت حاکمیت شرکتی قوی‌تر بوده و وزن‌دهی به این معیارها می‌تواند به نتایج متفاوتی منجر گردد. لازم به ذکر است عدم ارائه برخی اطلاعات مورد نیاز مربوط به بعضی از معیارهای کیفیت حاکمیت شرکتی در طول بازه زمانی پژوهش باعث حذف برخی شرکت‌ها و کاهش نمونه مورد بررسی گردید.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: تمام نویسندگان در آماده‌سازی مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان در این مقاله هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسندگان حق کپی‌رایت رعایت شده است.

References

- Abdul Wahab, E., Ariff, A., Madah Marzuki, M., Mohd Sanusi, Z. (2017). Political connections, corporate governance, and tax aggressiveness in Malaysia. *Asian Review of Accounting*, 25(3), 424-451.
- Aghaei, M. A., Hassani, H., Asadi, Z. (2017). The importance of the internal information environment for tax avoidance in the companies listed in Tehran Stock Exchange. *Financial Accounting Researches*, 8(4), 17-36. (In Persian).
- Allingham, M. G., Sandmo, A. (1972). Income tax evasion: a theoretical analysis. *Journal of Public Economics*, 1(3), 323-338.
- Annuar, H. A., Salihu, I. A., Obid, S. N. S. (2014). Corporate ownership, governance and tax avoidance: an interactive effects. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 164, 150-160.
- Arabsalehi, M., Hashemi, M. (2015). The effect of managerial overconfidence on tax avoidance. *Accounting and Auditing Review*. 22(1), 85-104. (In Persian).
- Armstrong, C. S., Blouin, J. L., Jagolinzer, A. D., Larcker, D. F. (2015). Corporate governance, incentives, and tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 60(1), 1-17.
- Babajani, J., Abdi, M. (2010). Relationship between corporate governance and enterprises taxable profit, *Journal of Financial Accounting Research*, 2(3), 65-86. (In Persian).
- Badertscher, B. A., Katz, S. P., Rego, S. O. (2013). The separation of ownership and control and corporate tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 56(2), 228-250.
- Baharmoghadam, M., Amininia, M. (2015). An investigation of the relationship between ownership concentration and tax aggressiveness. *Financial Accounting Researches*, 6(4), 23-36. (In Persian).
- Bradshaw, M., Liao, G., Ma, M. (2019). Agency costs and tax planning when the government is a major shareholder. *Journal of Accounting and Economics*, 67(2), 255-277.
- Desai, M., Dyck, I., Zingales, L. (2007). Theft and taxes. *Journal of Financial Economics*, 84: 591-623.
- Dyreg, S. D., Hanlon, M., Maydew, E. L., Thornock, J. R. (2017). Changes in corporate effective tax rates over the past 25 years. *Journal of Financial Economics*, 124(3), 441-463.
- Gharanjik, A., Garkaz, M. (2018). Investigating the relationship between some corporate governance mechanisms and tax avoidance in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Audit Science*, 18(70), 175-193. (In Persian).
- Golestani, S., Deldar, M., Seyedi, S. J., Jafari shoorche, S. H. (2014). The relation of the effective tax rate with dividend policy and the future stock return in listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Economic Research and Policies*, 22(70), 181-204. (In Persian).
- Guan, L., Pourjalali, H. (2010). Effect of cultural environmental and accounting regulation on earnings management: A multiple year-country analysis. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, 17(2), 99-127.



Hamidian, M. (2017). The relation of the different dimensions of corporate governance with tax avoidance in accepted companies on Tehran Stock Exchange. *Journal of Investment Knowledge*, 6(23), 229-244. (In Persian).

Hanlon, M., Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2), 127-178.

Hassas Yeganeh, H. Golmohammadi Shourki, M. (2012). The relationship between the effective tax rates and the companies' characteristics. *Tax journal*, 19(12), 239-264. (In Persian).

Huang, H. H., Lobo, G. J., Wang, C., Xie, H. (2016). Customer concentration and corporate tax avoidance. *Journal of Banking & Finance*, 72, 184-200.

Jensen, M., Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305-360.

Khani, A., Imani, K., Molaei, M. (2013). Investigating the relationship between auditor expertise in industry and tax avoidance of companies listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Audit Science*, 13(51), 61-78. (In Persian).

Kordestani, G., Mortazavi, S. M. (2012). The impact of managers' deliberate decisions on costs' stickiness. *Accounting and Auditing Review*, 19(67), 73-90. (In Persian).

Mahmmodi M., Jabarzadeh S. (2015). The effect of corporate governance mechanisms on tax avoidance in Tehran Stock Exchange listed companies. *Quantitative Researches in Management*. 5(4), 69-86. (In Persian).

Mardani, M., Safari, M., Valian, H. (2019). Customer focus and tax avoidance: Evidence from the Tehran Stock Exchange. *Journal of Audit Science*, 18(73), 123-137. (In Persian).

Mehrani, K., Safarzadeh, M.H. (2012). Explaining the relationship between corporate governance and earnings quality in Iran. *Journal of Accounting Knowledge*, 2(7), 69-98. (In Persian).

Mehrani, S., Seyedi, S. J. (2015). Survey relation between tax avoidance and tax difference in listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Auditing Researches*, 6(24), 50-75. (In Persian).

Mills, L. F., Erickson, M. M., Maydew, E. L. (1998). Investments in tax planning. *Journal of the American Taxation Association*, 20(1), 1-20. Minnick, K., Noga, T. (2010). Do corporate governance characteristics influence tax management? *Journal of Corporate Finance*, 16(5), 703-718.

Moradi, M. (2017). The role of stakeholders in corporate social responsibility theory and the theory of legitimacy. *Studies of Economy, Financial Management and Accounting*. 2(4), 174-186. (In Persian).

Namazi, M., Kermani, E. (2009). Investigating the effects of ownership structure on the performance of the companies accepted in the Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Review*, 15(4), 83-100. (In Persian).

Namazi, M., Sadeghzadeh Maharluie, M. (2018). Predicting tax evasion by decision tree algorithms. *Journal of Financial Accounting*, 9(36), 76-101. (In Persian).

Pour-heidari, O., Borhaninezhad, S. (2013). Investigating the effect of characteristics of corporate governance principles on tax management in companies

listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Audit Science*. 12(49), 85-99. (In Persian).

Pour-heidari, O., Fadavi, M. H., Amini-nia, M. (2014). An investigation on the effect of tax avoidance on the transparency of financial reporting firms listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Economic Research*, 14(52), 69-85. (In Persian).

Pour-heidari, O., Sarvestani, A. (2013). Identifying and explaining the effective factors on the tax management. *Journal of Accounting Knowledge*. 4(12), 89-110. (In Persian).

Richardson, G., Taylor, G., Lanis, R. (2015). The impact of financial distress on corporate tax avoidance spanning the global financial crisis: Evidence from Australia. *Economic Modelling*, 44, 44-53.

Richardson, G., Wang, B., Zhang, X. (2016). Ownership structure and corporate tax avoidance: Evidence from publicly listed private firms in China. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 12(2), 141-158.

Salamon, L. M., Siegfried, J. J. (1977). Economic power and political influence: The impact of industry structure on public policy. *American Political Science Review*, 71(3), 1026-1043.

Sepasi, S., Fathee, Z. (2015). The effect of corporate governance on tax commitment aggressiveness in Tehran Stock Exchange Market (TSEM). *Management Accounting*, 8(25), 49-59. (In Persian).

Sheybani Tezerji, A., Khodamipour, A., Pour-heidari, O. (2018). Investigating the effect of customer concentration on tax avoidance, considering firm's market share. *Accounting and Auditing Review*, 25(2), 215-232. (In Persian).

Taleb Nia, G. A., Rajabdorri, H., Dehghan, F. (2017). A review of the effect of the life cycle on tax avoidance of firms. *Journal of Economics and Business Research*, 8(16), 53-68. (In Persian).

COPYRIGHTS



This license allows others to download the works and share them with others as long as they credit them, but they can't change them in any way or use them commercially.